

رساله‌ی طبی «فواید الافضلیه» و جایگاه آن در پزشکی دوره‌ی صفویه

علی‌اکبر جعفری^۱، فاطمه علیان امین‌آبادی^۲، زهرا حسین‌هاشمی دهقی^{۳*}

مقاله‌ی مروری

چکیده

علی افضل قاطع قزوینی از پزشکان حاذق و دانشمند دوره‌ی صفویه است که در بررسی تاریخ پزشکی آن دوره، کم‌ترین توجه به شخصیت و فعالیت‌های پزشکی او شده است. در مجموعه آثار قزوینی، سه اثر علمی در حوزه‌ی طبی وجود دارد که می‌تواند در بررسی تاریخ پزشکی صفویه مورد توجه قرار گیرد.

بر این اساس، مقاله‌ی حاضر با رویکرد توصیفی- تحلیلی ضمن بررسی زندگی علی افضل قزوینی، رساله‌ی فواید الافضلیه را معرفی می‌کند. این رساله، دائرة‌المعارفی است حاوی مطالب متنوع و لازم برای پزشکان دوره صفوی که آن‌ها را از مراجعه به دیگر منابع بی‌نیاز می‌کرده است. بر این اساس، مهم‌ترین سؤال پژوهش این است که: رساله‌ی طبی فواید الافضلیه دارای چه مشخصات و ویژگی‌هایی است که آن را به عنوان اثری مهم در پزشکی دوره‌ی صفویه قرار می‌دهد؟ بررسی زندگی علی افضل قزوینی و واکاوی محتوای رساله‌ی فواید الافضلیه نشان می‌دهد این رساله، حجمی‌ترین رساله‌ی پزشکی عصر صفوی است که حاوی اطلاعات ضروری مورد نیاز پزشکان بوده است. لذا برای بررسی پزشکی دوره‌ی صفویه توجه به رساله‌ی طبی فواید الافضلیه بسیار ضروری است.

واژگان کلیدی: علی افضل قزوینی، فواید الافضلیه، صفویه، پزشکی اسلامی

^۱ استادیار، گروه تاریخ دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ علم طب و داروسازی، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان

^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ اسلام، گروه تاریخ دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان

* نشانی: اصفهان، دروازه شیراز، دانشگاه اصفهان، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، دفتر گروه تاریخ، تلفن: ۰۷۹۳۳۱۲۱

Email: hashemizahra30@yahoo.com

دانش پژوهشی است و اگر حتی در سنامه‌ای هم برای طالبان پژوهشی آن دوره نباشد، فرم و محتوای آن گویای جایگاه والای آن در پژوهشی آن دوره است. این کتاب که به خوبی می‌تواند بخشی از تحقیقات تاریخ پژوهشی صفویه را روشن نماید، متأسفانه با بی‌توجهی محققان روبه رو شده است. از این رو، این پژوهش به منظور پاسخ‌گویی به این سؤال که: رساله‌ی طبی فواید الافضلیه دارای چه مشخصات و ویژگی‌هایی است که آن را به عنوان اثری مهم در پژوهشی دوره‌ی صفویه قرار می‌دهد؟ ضمن بررسی زندگی قزوینی، این رساله را واکاوی نموده و از این رهگذر، به جایگاه آن در بررسی پژوهشی صفویه می‌پردازد.

جستاری در تاریخ پژوهشی عصر صفویه

هر گاه سخن از پژوهشی عصر صفویه می‌شود، نام محقق، پژوهشگر و پژوهش انگلیسی، سیریل الگود در ذهن نقش می‌بنند. این مسئله اگرچه نوعی حق شناسی و سپاس از تلاش‌های علمی ایشان است اما از زاویه‌ای دیگر فضای پژوهش را به سمت و سویی می‌برد که گویا نباید پیرامون این موضوع مهم دست به پژوهش زد. نتیجه‌ی این امر، غافل شدن از پژوهش‌های جدید و مبتنی بر متون اصلی در حوزه‌ی پژوهشی دوره‌ی صفویه است. واقعیت امر این است که علاوه بر این مسئله‌ی مهم، مطالعه و تحقیق پیرامون تاریخ پژوهشی عصر صفوی در مقایسه با برخی دیگر از علوم، با مشکلات ویژه‌ای روبه‌روست. کم توجهی منابع داخلی عصر صفوی و از قلم افتادن نام بسیاری از پژوهشکان بزرگ این دوره در متون تاریخی، گزارش‌های محدود و عموماً مایوس‌کننده سیاحان خارجی از اوضاع پژوهشی آن دوره، فقدان یا ناشناخته باقی ماندن منابع اختصاصی پژوهشکی دوره‌ی صفویه همراه با استقبال کم از محدود آثار این گونه‌ای که در دسترس می‌باشد و از بین رفتن آثار و اینه مربوط به فعالیت‌های پژوهشی آن دوره، مهم‌ترین این مشکلات محسوب می‌شوند.

مقدمه

دوره‌ی صفویه به عبارتی آخرین دوره شکوفایی و احیای تمدن ایرانی- اسلامی قبل از تهاجم گسترده تمدن اروپایی به ایران در قرن نوزدهم میلادی محسوب می‌شود. در این شکوفایی، بسیاری از علوم، دانش‌ها، هنرها و صنایع، رشد چشم‌گیر و ماندگاری پیدا کردند. دانش پژوهشی و داروسازی نیز به عنوان یک شاخه علمی ضروری و مورد نیاز جامعه در این دوره مورد توجه ویژه قرار گرفت.

پیرامون دانش پژوهشی صفویه و به رغم آثار ارزشمندی که محققان گران‌سنگ عرضه نموده‌اند، همچنان با ضعف و محدودیت اطلاعات و بالتبع نظرات محدود و حتی غیر کارشناسی روبه رو هستیم. این مسئله به موقعیت و جایگاه این علم در چرخه سایر علوم و به کم توجهی به آثار پژوهشی و داروسازی این دوره توسط محققان باز می‌گردد. این کم توجهی خواه به‌دلیل فقدان منابع و آثار پژوهشی و داروسازی دوره‌ی صفویه، خواه به‌دلیل ناشناخته باقی ماندن آن‌ها و قرار داشتن در کتابخانه‌ها یا به‌دلیل رغبت کم برای توجه به منابع موجود توسط محققان، موجب شده تا جویندگان علم و دانش به‌ویژه در حوزه‌ی تاریخ علم و به‌طور خاص علاقه‌مندان به تاریخ پژوهشی دوره‌ی صفویه را با نوعی سرخوردگی روبه رو کنند. یکی از نتایج این وضعیت، قضاوت‌های متفاوتی است که در مورد وضعیت پژوهشی در عصر صفویه شده است.

صدقای بارزی برای اثبات غفلت از نگاشته‌های حوزه‌ی پژوهشکی در عصر صفویه را در مورد علی قاطع قزوینی و آثار پژوهشکی او به‌ویژه «فواید الافضلیه» می‌توان دید که تلاش شده در این مقاله معرفی شود. علی قاطع قزوینی که به‌رغم نام و آوازه‌ی کم فروغش، از پرکارترین پژوهشکان نیمه دوم قرن یازدهم هجری قمری است، در حوزه‌ی پژوهشی و داروسازی دارای حداقل سه اثر ارزشمند است که کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. در این میان، فواید الافضلیه او دائره‌المعارفی از

معالجه بیماران در ایران، سخت تحت تأثیر روش جالینوسی است (۶).

۲- استفاده از منابع پزشکی قدیم و کم توجهی به تألیف یا استفاده از منابع جدید. این مشکل اساسی پزشکی عصر صفویه به‌گونه‌ای بود که حتی سیوری نیز که به تعریف از دانش پزشکی عصر صفویه پرداخته، تأکید می‌کند که در این دوره، هم‌چنان کتاب قانون ابن‌سینا به عنوان اصلی‌ترین منبع پزشکی مورد استفاده قرار می‌گرفت (۳). این مسئله هم در آن زمان، پزشکی را ناکارآمد می‌نمود و هم امروزه در بررسی تاریخ پزشکی عصر صفویه، دست پژوهشگران را خالی می‌گذارد. در واقع آثار جدید می‌تواند سند گویا و شفافی از میزان فهم، توانمندی و تجربیات پزشکان دوره‌ی صفویه رمزگشایی نماید؛ موضوعی که به تأکید منابع، در دوره‌ی صفویه کمتر دیده می‌شود. شاردن تأکید می‌کند در دوره‌ی صفویه، هم‌چنان «ذخیره خوارزمشاهی» - که تألیف آن بیش از سه قرن قبل از تشکیل دولت صفویه بوده است - به عنوان معتبرترین و مفصل‌ترین کتاب طبی مورد استفاده بوده است (۷). او در ادامه می‌نویسد: «من در دست برخی از پزشکان خاص شاه، کتاب‌هایی در علم تشریح دیده‌ام، اما تصاویر این کتاب‌ها که زیاد هم بود به قدری بد نقاشی شده بود که هیچ فایده‌ای از آن‌ها حاصل نمی‌شد؛ پزشکان به من گفتند بیشتر این کتاب‌ها در زمان قدیم نوشته شده‌اند» (۷). با وجود این ضعف آشکار در تاریخ پزشکی صفویه، از این موضوع نیز نباید غافل ماند که بنا بر اقتضای زمان و نیاز شدید دوران، رساله‌هایی با محوریت بیماری‌های جدید در این دوره، تأثیر شده که اتفاقاً تعداد آن‌ها نیز کم نیست. باهنامه‌نویسی، آبستنی‌نامه‌ها، نوشته‌های فراوان پیرامون سیفلیس و

عموم کسانی که با نگاهی کلی به پزشکی عصر صفویه پرداخته‌اند، تأکید می‌کنند که پزشکی این دوره نیز مانند دوره‌های دیگر، اهمیت داشته و در راستای اثبات این ادعا، به وجود مقام حکیم‌باشی با مسؤولیت و جایگاه مهم در میان کارگزاران صفوی استناد می‌نمایند (۱). در مقابل، گفته شده دانش پزشکی و داروسازی در عهد صفویه و سپس دوره افساریه و زندیه و قاجاریه تا دارالفنون، هرچه به پیش می‌آید، پژوهش و نوآوری آن کمتر می‌شود و طبیبان تنها به بازنویسی‌ها و ترجمه‌ها قناعت ورزیدند (۲). این که پزشکان در دوره‌ی صفویه دارای منزلت بالایی بودند و این امر ناشی می‌داشتند (۳) تردیدی نیست و حتی در یک نگاه جامع‌تر و با رویکردهای اعتقادی باید اذعان کرد که حتی سنت پسندیده وقف نیز در خدمت این دانش قرار گرفت و در برخی از موقوفات، به کار گماردن طبیب حاذق و هزینه‌های «اغذیه و اشربه و ادویه و باقی مقدمات معالجه» نیز دیده شده است. (۴). با این وجود برخی از مشکلات اساسی فرا روی پزشکی عصر صفوی وجود داشت که موجب شده تا در بررسی تطبیقی بین پزشکی و سایر علوم در این دوره، پزشکی را در موقعیت پایین‌تری دیده و توصیف نمایند. برخی از این مشکلات عبارت‌اند از:

۱- تداوم سنت‌های کهن در روش کار پزشکان این دوره و کم توجهی به «روز آمد» نمودن آن‌ها. تاورنیه، سیاح اروپایی در دوره‌ی صفویه تأکید می‌کند که ایرانیان اذعان می‌نمودند که طب به روش کامل در مملکتشان معمول نیست و قبول داشتند که فرنگیان در این زمینه از آن‌ها خبرهتر هستند (۵). این شیوه‌های کهن زمانی که با قشری گرایی و خرافه‌پرستی همراه می‌شد، بیش‌ترین آسیب را به پزشکی می‌زد. یک سیاح آلمانی که در زمان شاه صفی از اصفهان دیدار داشته تأکید می‌کند که روش

اروپا نبوده زیرا فقط در مورد جراحی که نیازمند تجهیزات خاص است، شاردن تأکید می‌کند «در ایران هیچ نوع جراحی معمول نیست و پزشکان ایرانی به این هنر آشنایی ندارند» (۷). این ضعف مفرط و آشکار به گونه‌ای بود که مبلغان مذهبی اروپایی در اصفهان تلاش می‌نمودند با تأسیس بیمارستان، هم نیاز جامعه را برطرف نمایند و هم در راستای فعالیت‌های تبلیغی خود از آن استفاده کنند (۱۱).

۴- چهارمین واقعیت در مورد پژوهشی، این است که دانش پژوهشی عصر صفویه در مقایسه با اروپا و در مقایسه با سایر علوم و بهویژه هنرها و صنایع از رشد و رونق کمتری برخوردار بود اما از زوایای دیگری می‌تواند نشانگر شکوفایی این دانش نیز باشد. برای این شکوفایی، دلایل متعددی از جمله موضوع جنگ با همسایگان، رواج بیماری‌های جدید در ایران و ضرورت آشنایی با درمان آن‌ها، حس استقلال‌طلبی علمی و غیره بیان شده است (۲). بی‌شک یکی از مصادیق این رشد، تأثیف آثار- حتی با فرض بازنویسی‌ها - به زبان پارسی و دوری گزیدن پژوهشکان از تأثیف آثار به زبان عربی بود. این مسئله زمانی مهم جلوه می‌کند که فراموش نکنیم به‌دلیل حضور علمای جبل عامل و حله در ایران در دوره‌ی صفویه، بار دیگر زبان عربی، زبان علمی شد و منابع علمی اکثر علوم به زبان عربی نوشته می‌شد. لذا فارسی نگاری رسائل پژوهشی در دوره‌ی صفویه یک پیشرفت مهم محسوب می‌شود. هم‌چنین، و به گفته همین سیاحان اروپایی، ایران پیشرفت‌هه ترین کشور در مشرق زمین در حوزه‌ی پژوهشی بود. شاردن تأکید می‌کند «بی‌گمان در زمان حاضر در سراسر مشرق زمین هیچ کشوری نیست که در هنر و فن پژوهشی مانند ایران پیشرفت‌هه باشد و پژوهشکان بسیار باشند» (۷).

سوزاك- تحت عنوان کوفت و آتشک- نمونه‌هایی از این دست رساله‌ها بوده که با توجه به شرایط و مقتضیات دوره‌ی صفویه، به رشتہ تألیف در آمده و در مقایسه با منابع قدیمی، نوآوری‌هایی دارند (۲).

۳- بی‌توجهی شدید به مراکز آموزشی- درمانی و به‌طور مشخص به بیمارستان‌ها و در نتیجه غافل ماندن از فعالیت‌های تجربی و روزآمد در آموزش‌های پژوهشی. از نوشه‌های سیاحان اروپایی چنین بر می‌آید که بیمارستان در این دوره مفهوم و کارکردی متفاوت داشته است. به بیان دیگر، بیمارستان‌هایی که در دوره‌ی صفویه وجود داشته، محلی برای نگهداری مجنونین و بیماران بوده است (۸). در این مورد تاورنیه می‌نویسد: «در ایران مانند اروپای ما، بیمارستان‌های عالی برای بیماران وجود ندارد» (۵). کمپفر، سیاح آلمانی که خود در گیاه‌شناسی و آگاهی از خواص دارویی گیاهان تخصص داشته نیز تأکید می‌کند اصفهان دارای یک بیمارستان بوده است (۹).

اهمیت این گزارش از آن روست که در نظر داشته باشیم کمپفر در نیمه‌ی دوم قرن یازدهم هجری از اصفهان دیدار داشته، یعنی زمانی که طبق گزارش این سیاح و دیگر اروپاییان، جمعیت اصفهان، نیم میلیون نفر بوده است. لذا به اعتبار ملاک‌های امروزی، سرانه‌ی پژوهشی که سرآمد شهرها و پایتخت بوده، آن چنان پایین بوده که می‌توان از ضعف مفرط پژوهشی در آن زمان سخن گفت. رافائل دومان، کشیش فرانسوی مقیم اصفهان در همین قرن که قریب چهل سال در این شهر زندگی نموده است، تأکید می‌کند در هر شهر ایران، یک یا دو بیمارستان بزرگ و مجهر وجود دارد (۱۰). ناگفته نماند اصطلاح بزرگ و مجهر مورد تأکید در این گزارش هرگز در مقایسه با

شاه عباس دوم- و احتمالاً زمان شاه عباس اول- و نیز نگاشتن رسائل ارزشمندی در حوزه‌ی پزشکی، اطلاعات محدودی از او در دست است.

علی افضل بن محمدامین قزوینی از پزشکان ایرانی قرن یازدهم هجری است که متأسفانه از تاریخ تولد و مرگ او اطلاعی در دست نیست. با این وجود و بهدلیل این‌که آثار تأثیغی او به نیمه دوم قرن یازدهم هجری باز می‌گردد و گزارشی از او در منابع پایانی این قرن نیز در دست نیست، می‌توان نتیجه گرفت که به احتمال بسیار زیاد، دوران زندگی او از تولد تا مرگش در همین قرن یازدهم بوده باشد. پدرش محمدامین قاطع قزوینی اهل علم و ادب و هنر بوده و او در چنین محیطی رشد کرده است. قزوینی جدش را مولانا فضل الله طبیب تبریزی و معاصر با دوره امیر تیمور گورکانی معرفی می‌کند که دستی در طبابت داشته و تیمور به او لقب «بوعالی ثانی» داده بود (۱۴). این شخص علاوه بر طب، در تقطیع انواع تصاویر و خطوط نیز توانمند بوده، به همین دلیل این خاندان به «قاطع» مشهور شدند (۱۵).

محل تولد و رشد و تحصیلات علی قاطع قزوینی نیز در منابع نیامده است اما الگوی بر اساس نوشته‌های این پزشک مدعی است که او در بیمارستان شاهی قزوین خدمت می‌کرده است (۱۰). با پذیرش این فرض، باید گفت علی قاطع، اصلتاً تبریزی بوده اما در قزوین رشد و نمو یافته و احتمالاً بخشی از دوران پایانی زندگی خود را در اصفهان گذرانیده است. احتمال زندگی او در اصفهان را از خلال گزارش‌های او در چرایی تدوین برخی آثارش می‌توان یافت. شاید بتوان این زندگی مهاجر گونه‌ی او را دلیل دیگری در عدم اشتهرار او و نامداری اش بهویژه در متون تاریخی دوره‌ی صفویه دید؛ ضمن این‌که سکونتگاه اصلی او قزوین، به رغم اعتبارش، بهدلیل دوری از پایتخت، مورد غفلت مورخین نیز قرار گرفته است. در مورد تحصیلات و استادیش نیز با همین خلاط اطلاعاتی روبه رو هستیم. تا جایی که خود نیز به آن اشاره

اصول اخلاقی و شرعی در این دوره به شدت مورد توجه پزشکان بود و آن‌ها حتی بیش از آن‌که معلومات و دانش تخصصی طب را فراگیرند، علوم دینی را می‌آموختند و همین امر آن‌ها را در پایبندی به اصول شرعی و اخلاقی معهود می‌نمود (۱۲). بیمارستان‌ها اگرچه از نظر تعداد کم بود، اما به قول شاردن «به قدر کفايت، تمیز و نظیف و بسیار خوب نگه داری می‌شد» (۷). پزشکان حاذق فراوانی وجود داشتند که نامشان در کنار علماء و مقامات کشوری و لشکری در منابع ذکر شده است (۱۳). این مسائل اساسی و دیگر نکات ظریف پیرامون وضعیت پزشکی عصر صفویه موجب شده تا بر این نکته تأکید شود تا هنگامی که رسائل پزشکان عصر صفوی مورد توجه و مطالعه دقیق قرار نگیرند، قضایت دقیق و نهایی از وضعیت این علم در آن دوره نمی‌توان داشت. لذا در راستای همین اصل، این پژوهش با هدف شناساندن یک پژوهش حاذق-اگرچه نام و آوازه‌ای در منابع صفوی و تحقیقات جدید وجود ندارد- و بهویژه معرفی یکی از آثار او در حوزه‌ی پزشکی، اقدام به معرفی علی قاطع قزوینی و رساله‌ی فواید الانضلیه نموده است.

علی قاطع قزوینی، پژوهش دانشمند عصر صفوی

دانش پزشکی و داروسازی عصر صفوی از مهم‌ترین شاخه‌های علمی است که شدیداً نیازمند پژوهش و تحقیقات علمی است. آثار و رسائل کوچک و بزرگی از پزشکان حاذق و دانشمند این دوره باقی مانده است که راهگشای ارزشمندی در بررسی تاریخ تملکی دوره‌ی صفویه می‌باشد. متأسفانه این آثار و نویسنده‌گان آن‌ها مورد غفلت واقع شده و امروز اطلاعات بسیار کمی از آن‌ها در دست است. علی افضل بن محمدامین معروف به قاطع قزوینی، یکی از این پزشکان است که به رغم اشتغال ایشان به حرفة پزشکی در زمان شاه صفی و

است- که دو مورد آخر از تأییفات خود او بوده است- ارجاع می‌دهد (۱۷).

توانمندی قاطع قزوینی در زبان و ادبیات عرب را از دیگر اثر او در حوزه‌ی پژوهشی می‌توان تشخیص داد. کتاب «مفید» او که قبل از منافع افضلیه و به عربی نوشته شده، اگرچه اعتباری به اندازه منافع افضلیه ندارد، اما نشان از توانمندی قزوینی در زبان عربی دارد (۱۰). علاوه بر این‌ها که به‌طور قطع از آثار پژوهشی قاطع قزوینی است، در برخی منابع از کتاب دیگری از او با نام «جوارش» یادشده که در موضوع داروسازی و به منظور تقویت دستگاه گوارش است (۲).

این پژوهش دانشمند و اخلاق‌گرای دوره صفوی علاوه بر آنچه گفته شد به‌دلیل مناعت طبع و دوری از اسم و رسم و شهرت و اعتبار و ابتنگی به دربار و دل‌بستگی به منصب و مقام، نام و آوازه‌ای در منابع ندارد. توصیه‌های اخلاقی و فرزانه گونه‌اش و آرامشی که در ورای واژه‌های آثار او دیده می‌شود، نموداری از عزت نفس او و گرایش او به عرفان و فرزانگی است. هم‌چنین، تیزهوشی و خلاقیت و نظم و انضباط که ردپای آن در دو اثر منافع افضلیه و فواید افضلیه دیده می‌شود، شاخص‌های ویژگی‌های فردی و اخلاقی علی قاطع قزوینی است (۲). با عنایت به اهمیت مطالب و محتوا و سبک و نگارش و بهویژه تأکیدات اخلاقی و حرفة‌ای علی قاطع قزوینی در کتاب فواید افضلیه و با توجه به غفلتی که نسبت به معرفی و استفاده از آن در مجتمع علمی- دانشگاهی صورت گرفته، در ادامه به معرفی این نسخه بدیع از تاریخ پژوهشی صفویه می‌پردازم.

رساله‌ی طبی فواید افضلیه

فواید افضلیه یک نسخه طب و پژوهشی است که نه یک درسنامه منظم برای آموزش دانش داروسازی یا پژوهشی کهن یا حتی یک کتاب مرجع دارویی، بلکه عصاره‌ای از مطالب متتنوع و لازم برای وابستگان شانه پژوهشی است که در کمتر کتابی این‌چنین گردآوری شده است. در واقع می‌توان به آن،

نمی‌کند و فقط از استغالت خود به دانش‌اندوزی یاد می‌کند (۱۵).

علی افضل علاوه بر طبابت و پژوهشی که حرفة خانوادگی او بوده و به تعبیر خودش «بنا بر وراثت اجدادی، به تعلیم آن استغالت داشته، در علم قرائت و فنون خط و کتابت نیز دارای تخصص و مهارت بوده و حاصل این دو توانمندی را در استجمام کتب و رسائل و استفاده از آن‌ها» متمرکز نموده که حاصل آن، تأییف آثار متعددی، از جمله در حوزه‌ی پژوهشی است (۱۶). او ظاهراً دستی در شعر هم داشته و متخلص به «فضل» بوده است (۱۶).

علی افضل قزوینی، پژوهشی پرکار بهویژه در زمینه آموزش پژوهشی و تأییف آثار پژوهشی در دوره‌ی صفویه بوده است. بیش‌ترین اعتبار قزوینی به‌دلیل نگارش‌هایش در حوزه‌ی پژوهشی و بهویژه کتاب «منافع افضلیه» یا «قربادین قاطع» است که تاریخ نگاران پژوهشی، آن را به خوبی می‌شناسند (۲). اعتبار این کتاب و توجه محققان به آن را باید از دلایل اصلی غفلت از دیگر اثر ارزشمند او یعنی «فواید افضلیه» دانست که در این پژوهش معرفی خواهد شد. الگوی به‌طور ضمنی به این توجه مفترط به منافع افضلیه اشاره دارد و تأکید می‌کند که از کتاب منافع افضلیه بهره فراوان برده است. او این کتاب را «بیش‌تر از یک کتاب داروسازی و خیلی کم‌تر از یک کتاب درسی پژوهشی» معرفی می‌کند (۱۰). این کتاب را قزوینی برای برادر خود غیاث‌الدین علی (۱۷) نوشته است هرچند در گزارش‌های دیگر، غیاث‌الدین علی، پسر برادر (۱۰) یا فرزند خودش (۱۸) معرفی شده است. ناگفته نماند عنوانین بخش‌های مختلف منافع افضلیه به‌گونه‌ای است که نمی‌توان تصور نمود این یک کتاب داروسازی است و بیش‌تر به معرفی بیماری‌ها و تکالیف اخلاقی و حرفة‌ای طبیب می‌پردازد. هم‌چنین، روحیه علمی و جستجوگری قاطع قزوینی را در این کتاب به خوبی می‌توان دید. او در این کتاب بارها به «قانون»، «کامل الصناعه»، «جوارش افضلی» و «مفید» که از آثار پژوهشی

جمله‌ی «به فوائد الافضلیه که مع الف لام موافق تاریخ سال تأليف آن است مسمی ساخت» به ماده تاریخ تأليف این کتاب اشاره می‌نماید (۱۵). شاید همین مقدمه موجب شده باشد که علامه شیخ آقابزرگ تهرانی تأکید نماید که نویسنده آن را به اسم شاه عباس دوم تأليف نموده است (۱۶). این موضوع موجب شده تا در فهرست نویسی های جدید در مواردی تأکید شود که نویسنده کتاب را به شاه عباس دوم تقديم نموده و از همین جهت مورد اختلاف صاحب نظران می‌باشد (۲۰).

این کتاب، رساله‌ای پر حجم و در حدود ۸۵۸ ورق در قطع بزرگ است. از این نظر نیز فواید الافضلیه در میان کتاب‌های پزشکی عصر صفویه قابل توجه است به گونه‌ای که آن را باید حجم‌ترین رساله‌ی پزشکی عصر صفوی دانست که تا این زمان شناخته شده است. حجم بالای این کتاب می‌تواند هم نشان‌دهنده دانش و تلاش نویسنده باشد و هم هدف نویسنده. در واقع فواید الافضلیه دائرة‌المعارف پزشکی عصر صفوی است، به همین دلیل ضمن توجه نویسنده به منابع پیشین طب سنتی و استفاده از آن‌ها، تلاش زیادی نموده تا کتابی تدوین نماید که داشتن و استفاده از آن برای هر پزشکی در آن دوران یک ضرورت محسوب شود. قزوینی با تأليف این رساله نوآوری هایی به ویژه در زمینه اخلاق پزشکی، پیوند طب سنتی معروف به طب النبی با طب رایج در زمان خود، توجه به برخی از بیماری‌ها به ویژه بیماری‌های پوستی و هم‌چنین، توجه به روان درمانی علاوه بر دارودرمانی از طریق توسل به خداوند و معصومین (ع) ارائه نموده است. حجم زیاد این کتاب علاوه بر تعداد اوراق، ناظر بر ابعاد و تعداد سطور نیز هست. ابعاد هر ورق این کتاب، بیست و چهار سانتی متر و تعداد سطور در هر صفحه، حدوداً بیست و نه سطر است. این رساله‌ی خطی به زبان فارسی و به خط نستعلیق است. نسخه‌ی مورد استفاده در این مقاله، به شماره ۱۱۱۲ و متعلق به کتابخانه مجلس شورای اسلامی است که

نام و صایای طبی و فنون طبی داد که راهنمایی است برای انجام دستورات دیگر کتاب‌های مراجع پزشکی و آموزش دانشجویان پزشکی (۲۱).

از این رو این کتاب را باید نوعی دائرة‌المعارف پزشکی دانست که علی قاطع قزوینی با ترکیب نمودن دانش پزشکی، تجربیات خویش و مطالب اخلاقی و پندها و حکایات اثربخش تلاش نموده تا جذابیت آن را دو چندان نماید. این کتاب هم‌چنین، منبعی برای دانش داروسازی دوره‌ی صفویه محسوب می‌شود، اگرچه در هر دو حالت نوعی گردآوری است. بر این اساس، مهم‌ترین کاربرد فواید الافضلیه در بررسی تاریخ پزشکی عصر صفویه، این است که از یک سو عصاره و منبع جامعی از چندین قرن دانش پزشکی ایرانی است و از سوی دیگر، به روز بودن پزشکان عصر صفوی را نشان می‌دهد؛ لذا این کتاب با هدف بیان فضل دانش نویسنده یا رفع نیاز مقطوعی تأليف شده است. فواید الافضلیه اگرچه در موارد متعددی و حداقل در فصول و بخش‌های خود شباهت زیادی به منابع پزشکی ایرانی هم‌چون قانون ابن‌سینا دارد، اما علاوه بر تفاوت‌های متعددی که در شکل و فصل‌بندی نسبت به آن‌ها دارد، نوآوری‌های ویژه‌ای مخصوصاً در زمینه‌ی معرفی بیماری‌های جدید دارد که از این نظر می‌تواند قابل توجه باشد. ارزش این کتاب در تاریخ پزشکی صفویه، جایگاه مرجع بودن آن است، اگرچه توانسته اسم و اعتباری هم‌چون آثار گران‌سنگ طب ایرانی برای خود پیدا نماید.

این کتاب در سال ۱۰۵۸ هجری در دوره سلطنت شاه عباس دوم (۱۰۷۷ - ۱۰۵۲ ه.ق.) نوشته شده است. اما جالب اینجاست که در نام‌گذاری کتاب هیچ نشانی از پیشکشی او به پادشاه وجود ندارد. او در قسمتی با عنوان فاتحه اگرچه و به رسم منابع آن زمان توصیفی توازن با اغراق از شاه عباس دوم آورده، اما هیچ‌گاه اشاره‌ای به پیشکش نمودن کتاب به این شاه صفوی ندارد. در پایان این قسمت تأکید می‌کند که این کتاب را در دوران این پادشاه نوشته و با آوردن

دانست. این کتاب سند گویایی از پزشکی عصر صفویه و اطلاعات و دانش پزشکی در آن دوره می‌باشد. به منظور آگاهی بیشتر از محتوای فواید الافضلیه بخش‌های مختلف آن در ادامه معرفی می‌شود.

رساله با «بسم الله الرحمن الرحيم شافي امراض قلوب سقیم»، شروع می‌شود. سپس متن رساله با جمله: «حمد و ثنا خالق ارواح را، صانع این عالم اشباح را...» ادامه می‌یابد. ساختار رساله را در جدول شماره‌ی یک به صورت زیر می‌توان نشان داد.

جدول شماره ۱ - نمایه‌ی ساختار رساله‌ی فواید الافضلیه

اجزاء	تعداد مطالب
فاتحه	شامل ۲۴ فایده (فایده دوم شامل ۳ افاده)
منافع	شامل ۳۶ منفعت (منفعت هفدهم شامل ۲ مقاله) منفعت بیست و چهارم شامل ۳۷ اعراض منفعت بیست و هفتم شامل ۱۸ مقصد)
خاتمه	شامل ۱۲ مطلب

همان طور که در نمایه آمده این رساله در اجزایی با نام‌های فاتحه، منافع و خاتمه و زیرمجموعه‌هایی با عنوان‌یاب فایده، افاده، منفعت، اعراض، مقصد و مطلب تقسیم‌بندی شده که خود این نظام تقسیم‌بندی نیز به رغم تشابهی که با نمونه‌های دیگر در همان دوره‌ی صفویه و قرون قبلی دارد. نوآوری قزوینی را در ترتیب‌بندی مطالب نشان می‌دهد. آگاهی از مطالب هر یک از این تقسیمات در فهم بیشتر جایگاه این کتاب در پزشکی عصر صفوی مؤثر خواهد بود که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

فاتحه: این رساله شامل بیست و چهار فایده است که در جدول شماره‌ی دو به نمایش درآمده است.

مشتمل بر یک فاتحه، سی و شش منفعت و یک خاتمه است که هر منفعت، خود شامل چندین مطلب است که جامع مطالعات و تبعات وی بوده است، او درباره انگیزه‌اش در نوشتن این کتاب چنین اظهار نظر می‌کند:

«بنا بر التماس بعضی احبا خواست تا خلاصه فواید مذکوره خود را در مخزنی فراهم آرد و دست از اکثر کتب منتخب منها باز دارد مثل قانون و شروع و حواشی آن و کامل الصناعة و حاوی کبیر و صغیر و اکثر تصانیف مشهوره محمد بن زکریا که تعداد آن مؤیدی به اطناب می‌گردد و کتابی طبری و حنین و ایلاقی و تصریف خلف زهراوی و مختار ابن هبل و ذخیره ثابت و ارشاد و خلاصه و ترویج الارواح و میامر و مفتاح استاد ابوالفرج و خمسه نجیبی و ذخیره خوارزمشاهی و نظامشاهی و مرآت الشغا و غنی منی و مائه مسیحی و طب کلی و شروح فصول ابقراط و شرح مسایل حنین و نصوص جالینوس و حیله البرء و ما لايسع الطبيب جهله و جامع ابن بیطار و شامل ابن تلمیذ و جوامع الجامع قلانسی و مصنفات اطبای روم و ترک از عربی و ترکی و یادگار ابن شریف و دستور الطب نوائی و شفا الاسقام و نورالعيون و نورالابصار و طب البلدان و مانند آنها از کتب و رسائل و قرابادینات معتمده و اکثر رسائل شیخ الرئیس که تعداد آنها موجب اطالت کلام می‌گردد و رسائل افضل المثل خرین حکیم عمادالدین محمود و رسائل حکیم علی گیلانی و کتب رسایل هنود تا تلافی تقصیر مخلی که در رساله‌ی مسمی به منافع افضلیه و تدارک تطویل مملی که در کتاب مفید واقع شده نموده باشد» (۱۵). این توضیحات نویسنده، وجه دیگری از اهمیت و ارزش این کتاب را در تاریخ پزشکی صفویه نشان می‌دهد. نویسنده تأکید می‌کند فواید الافضلیه علاقه‌مندان به طب را از مراجعه به منابع متعدد و متقدم بیناز می‌کند؛ لذا جایگاه این کتاب را باید در تاریخ پزشکی عصر صفویه و به رغم استفاده‌های مکرر نویسنده از منابع پیشین، برابر با منابع گران‌سنج طب ایرانی در ادوار قبل

جدول شماره‌ی ۲ - نمایه‌ی قسمت‌های مختلف فاتحه

فایده	محتوا	فایده	محتوا
اول	موضوعات طب و علم اخلاق و تقسیمات آن	سیزدهم	مالحظه فصل سال
دوم	تصویف حالات طبیعی بدن ^(۱)	چهاردهم	معرفت اوقات اربعه مرض
سوم	شرافت علم طب و وصیت طبیب	پانزدهم	تحقیق مقدار و قوت و شدت مرض
چهارم	کیفیت تشخیص امراض	شانزدهم	دانستن طبیعت مرض در حدث و ازمان
پنجم	تحقیق سبب مرض	هفدهم	مقارنات امراض
ششم	تفحص قوت مریض	هجدهم	معرفت خلقت عضو علیل
هفتم	تفحص مزاج ایام صحت مریض	نوزدهم	معرفت وضع عضو علیل
هشتم	تحقیق جنس مریض	بیستم	معرفت اصلیت و اشتراک امراض
نهم	تحقیق سن مریض	بیست و یکم	معرفت اجتناب مواد
دهم	تحقیق عادات و انواع آن	بیست و دوم	اقسام اجتناب
یازدهم	تحقیق صناعت مریض	بیست و سوم	معرفت و تفحص شهرت و رغبت مریض
دوازدهم	رعایت مسکن مریض	بیست و چهارم	معرفت امتیاز فی مابین امراض متشابه

- افاده‌ی سوم: بیان اعراض و علامات امزجه.
افاده‌ی اول: اسباب و انواع سته ضروریه.
افاده‌ی دوم: امراض مسری و ارشی.
- افاده‌ی سوم: بیان اعراض و علامات امزجه.
افاده‌ی اول: اسباب و انواع سته ضروریه.
افاده‌ی دوم: بیان اعراض و علامات امزجه.
افاده‌ی سوم: بیان اعراض و علامات امزجه.
- عبارت‌اند از:

جدول شماره‌ی ۳ - نمایه‌ی قسمت‌های مختلف منافع

منفعت	محتوا	منفعت	محتوا
اول	کیفیت معالجه و اقسام نبض و فاروره	نوزدهم	ادویه‌ی کبدیه و بعضی از احشنا از مفرده و مرکبه
دوم	کیفیت تبدیل و تعدیل سوه مزاجات	بیستم	ادویه‌ی معده‌ی از مفرده و مرکبه
سوم	اسباب تولد خون و علامات استیلای آن و طرق اخراج آن و آنچه متعلق به فصل است.	بیست و یکم	ادویه‌ی صدر و زکام و نزله از مفرده و مرکبه
چهارم	صنعت مسهلات و ترتیب ادویه مسهله واجب	بیست و دوم	مقویات و منقضات باه از مفرده و مرکبه
پنجم	اسباب تولد صفرا	بیست و سوم	آنچه متعلق به معالجه حمیات یومیه و عفیه است از مفرده و مرکبه
ششم	اسباب تولد بلغم	بیست و چهارم	ذکر اعراضی که عروض آنها در حمیات است (۲).
هفتم	اسباب تولد سودا	بیست و پنجم	تدبر ناقهنه
هشتم	منضجات و مسهلاتی که زیاده بر یک خلط استفراغ می‌کند از مفرده و مرکبه	بیست و ششم	آنچه متعلق به معالجه اورام و بثور و جراحات و ضربه و سقطه است.

نهم	کیفیت قتل و اخراج انواع دیدن	بیست و هفتم	بیان معالجاتی که از محمد بن زکریا و علی بن عباس مجوسی آمده و فواید و معالجات مجریه منقوله از حکماء هند (۳).
دهم	تدارک عوارضی که بعضی اوقات شاربان مسهول را عارض می‌شود	بیست و هشتم	بیان آنچه بالخصوصیه دفع امراض و رافع اعراض به ترتیب علل از فرق تا قدم توائد بود.
یازدهم	بیان منفعت و مضرت قی و آنچه متعلق بدان است.	بیست و نهم	بیان کیفیت و مضرت و اصلاح بعضی از ادویه و اغذیه
دوازدهم	اسباب تولد ریاح و علامات غلبه آن و کسر و تحلیل آن	سی ام	معرفت بعضی ادویه شریفه و تفرقه میانه نیک و بد آنها و بیان بدل آنها
سیزدهم	اسباب تولد سده و علامات حدوث و بیان مفتاحات آن از مفرده و مرکبیه	سی و یکم	بیان بعضی از تراکیب و معاجین مفرحه
چهاردهم	کیفیت مداوای اسهال	سی و دوم	مداوای بعضی سموم مشروبه و گزیدن جانوران زهردار
پانزدهم	ادرار بول و مفتاحات حصات	سی و سوم	بیان بعضی از اوزان مشهوره
شانزدهم	حوابس بول و حیض و خون بواسیر و اوجاع اوایه و مجاری آنها از مفرده و مرکبیه	سی و چهارم	ترجمه اکثر لغات کثیره الوقوع در کتب طبیه
هفدهم	شامل دو مقاله است (۱).	سی و پنجم	بیان حل بعضی اشکال و اجویه
هجدهم	ادویه قلبیه و دماغیه و مداوای امراض آنها از مفرده و مرکبیه	سی و ششم	بعضی فواید نجومیه

رعشه، سیلان خون از دهن و لته، احتباس بول، انفجار الدم من الاذن، برقان، فوق (سکسکه)، تشنج، وجع الظهر و القطن، شهوت کلیبیه، تورم قدامی، ساقافلوس.

۳- این منفعت دارای هجده زیرمجموعه با عنوان مقصد است که عبارت‌اند از: علل اعضای رأس، امراض عین، امراض أذن، اعلال أنف، امراض اعضاء فم و حلق، امراض صدر، امراض قلب و تندی، امراض معده، امراض کبد و طحال و مراره (کیسه صفرا)، مداوای اوجاع جنب و خاصره و منکین (هر دو کتف)، مداوای انواع اسهال و زحیر و مقص و بواسیر و دیدان، اوجاع قولنج، امراض کلیه و مثانه و آلات

۱- مقالات این منفعت عبارت‌اند از: مقاله اول در حدود اکثر امراض مختصه به اعضا از فرق تا قدم و مقاله دوم در تعریف و جع و بیان اقسام اوجاع (درد) و مسكنات اوجاع.

۲- قزوینی سی و هفت عرض را نام می‌برد که عبارت‌اند از: قشعریره (لرز)، صداع (دردرس)، عرق، رعاف (خون‌دماغ)، قی، اسهال، تشنجی مفرط، خواب ثقيل، بی‌خوابی، سعال (سرفه)، عطاس، بطلان اشتها، احتباس طبیعت، خشونت و لزوجت زبان، سواد زبان، لکنت زبان، ثقدسر، درد اندرون، برودت دست و پا، غشی، تنگی نفس، شدت کرب (اضطراب) و قلق، عسر ازدراد، سلاق، ثقل سمع، اوجاع مفاصل،

کند و بعد سوره فاتحه بخواند و سپس با روی گشاده، بدون ترشیرویی، با امیدواری و خوش بینی به مطالعه سایقه‌ی بیماری پیردازد» (۱۵)، به اخلاق‌گرایی پزشکان تأکید می‌کند در خاتمه با آوردن قسمت‌هایی، موضوع توسل به خداوند و معصومین (ع) را به منظور مفید واقع شدن درمان و شفای بیمار مورد توجه قرار داده است. این نمونه توصیه‌ها در موارد مشابه از این دست آثار به ندرت دیده می‌شود. همچنین، جزئی کردن بیماری‌ها و ابتلائات و اشاره به درمان آن‌ها در این سطح را در منابع دیگر کمتر می‌توان دید. همین مسئله موجب حجم نسبتاً زیاد این رساله در مقایسه با نمونه‌های مشابه شده است.

تناسل، امراض رحم، اوجاع مفاصل و نقرس و عرق النساء، مداوای حمیات، اورام و بثور و امراض و عوراض غیر مختصه، معالجات و اقوال نافعه حکمای هند به ترتیب اعضا.

آخرین قسمت از رساله‌ی فواید الافضلیه با عنوان «خاتمه» شامل برخی فواید متفرقه است که به نظر قزوینی در مواردی توجه به آن برای افراد و به منظور حفظ سلامت، ضرورت دارد. او این قسمت را در دوازده بخش با عنوان مطلب آورده که محتوای آن در جدول شماره‌ی چهار به نمایش درآمده است. از مهم‌ترین نوادری‌های فواید الافضلیه به همین «خاتمه» می‌توان اشاره کرد. نویسنده که در آغاز رساله با آوردن جمله‌ی «گفت‌وگوی خود را با مریض با بسم الله آغاز

جدول شماره‌ی ۴ - نمایه خاتمه

مطلب	محتوا	مطلب	محتوا
اول	مقدمات سفر و مدح و ذم آن	هفتم	کیفیت محافظت مرکوب و مداوای بعضی امراض الكثيرة الوقوع مراکب
دوم	لوازم سفر و بیان لوازم مسافر	هشتم	امور کلیه مفیده در حفظ صحت و ازاله مرض منتخب از کتاب طب النبی و بیان شرایط حذاقت طبیب
سوم	تدابیر اوقات حاره و تأثیر و تدبیر سموم و علاج سموم زده	نهم	بیان معالجات غریبیه سهله المؤنه از کتاب طب النبی جهت امراض اعضا از فرق تا قدم
چهارم	تدابیر اوقات بارده و تأثیر و افساد برودت	دهم	بیان ادویه و اغذیه مفرد و منافع و مضار آن از کتاب طب النبی
پنجم	متعلقات سفر بحر و اختیار ساعت سعد آن و علاج دور و غثيان	یازدهم	بعضی ادویه و معالجات مقوله از حضرات ائمه معصومین منتخب از کتاب طب النبی
ششم	ادعیه متعلقه به سفر و معرفت رجال الغیب و آنچه متعلق بدان است	دوازدهم	ذکر بعضی ادعیه ماثوره در شفای امراض از حضرات ائمه معصومین

وجود، اصل رعایت اخلاق و اصول انسانی موجب شده تا در ذیل این متن تخصصی، از پرداختن به آن‌ها غافل نماند. به‌گونه‌ای که نویسنده در آن جا از کتاب یک قسمت را به موضوع علم اخلاق و ارتباط آن با طب اختصاص داده است. او در شرح وظایف یک پزشک، رعایت روابط انسانی را مقدم بر وظایف حرفه‌ای دانسته، تأکید می‌کند که پزشک باید در

نتیجه‌گیری

بررسی فواید الافضلیه نشان می‌دهد علی قاطع قزوینی یک پزشک حاذق، توانمند و دانشمند و انسانی اخلاق‌گرا و مجرب بوده که تلاش نموده با استفاده از دانش کهن پزشکی، دائرةالمعارفی از ضرورت‌های مورد نیاز یک طالب و دانش‌پژوه علم پزشکی را در زمان خود تهیه نماید. با این

منابع

- 1- Velayati A. The cultural and civil dynamism of Islam and Iran. Tehran: Foreign Ministry Publication; 2005, p. 345. [In Persian]
- 2- Mohaghagh M. Cardinal Sciences from Beginning of Safavid Era up to Establishment of Darolafoon Institution. Tehran: Cultural Artistic Prid Institution; 2005, p. 233-6 & 284-9. [In Persian]
- 3- Savory R. Safavid ERA Iran. Translated by Azizi K. Tehran: Markoz Publication; 1993, p. 219. [In Persian]
- 4- Ahmadi N. Endowment and Expansion of Curative Issue Based Trust Instruments. Qom: Koomeh Publication; 2003, p. 16. [In Persian]
- 5- Tavernier JB. Tavenier's Travels. Translated by Arabab Shirani H. Tehran: Niloufar Publication; 2004, p. 303-304. [In Persian]
- 6- Oleavius A. Olevavius's Travels. Translated by Behpour A. Tehran: Ebtekar Publication; 1984, p. 309. [In Persian]
- 7- Chardin J. Chardin's Travels. Translated by Abbasi M. Tehran: Amir Kabir Publication; 1984, p. 405 and 1119 and 1124. [In Persian]
- 8- Kasiri M. A Prelude on the Record of Medicine in the City of Isfahan. Isfahan: Isfahan Medical University; 2009, p. 111. [In Persian]
- 9- Kaempfer E. Kaempfer's Travels. Translated by Jahan Dari K, Tehran: Kharazmi Publication; 1984, P. 191. [In Persian]
- 10- Elgood C. Medicin in Safavid Era. Translated by Javidan M. Tehran: Tehran University; 1978, P. 48 & 56-57 & 116. [In Persian]
- 11- Karrery JFJ. Karrery's Travel. Translated by Nakhjavani A, Karang AA. Tehran: Science and Culture Publication; 2004, p. 86. [In Persian]
- 12- Shams Ardakani M, Zolfaghari B, Torki M, Roozbehani M, Roozbehani A. [Morori bar Tarikh va Mabani Tebb Sonnati Islam va Iran]. Tehran: MalaeK Publication; 2008, p. 20. [In Persian]
- 13- Torkaman ABM. [Tarikh Alam ara yi Abbasi]. Tehran: Doniaye Ketab; 1998, p. 263-6. [In Persian]
- 14- Monzavi A. [Fehreste Noskhehaye Khatti], first edition. Tehran: Moasseseh Farhangi Mantaghehey; 1969, p. 577. [In Persian]
- 15- Ghate Ghazvini A. [The Favaedol Afzalieh, Noskheh Khatti], No 1112. Tehran: Katabkhaneh Majlese Shoraye Eslami; p. 2. [In Persian]

رفتار خود با بیمار به‌گونه‌ای عمل کند که بیمار را امیدوار به تندرنستی و سلامتی نماید. این روحیه علی قاطع قزوینی در سراسر رساله‌ی ارزشمند فواید الافضلیه مشهود است. از این رو فواید الافضلیه هم نشان‌دهنده، توانمندی نویسنده در دانش پزشکی است و هم حجم‌ترین رساله‌ی پزشکی دوره‌ی صفویه که با هدف بی‌نیاز نمودن پزشکان آن دوره از مراجعه به منابع متعدد و متفرقی است که از چندین قرن قبل باقی مانده بود. این رساله ارزشمند در حکم منبع اصلی پزشکی صفویه محسوب می‌شود، هر چند در تدوین آن، پیاپی از منابع طب قدیم استفاده شده است. لذا تصحیح و بازنویسی این رساله‌ی ارزشمند ضمن تبیین دقیق‌تر تاریخ پزشکی عصر صفویه، نکات ارزشمندی را از پزشکی ایرانی - اسلامی، فرا روى پژوهشگران و صاحب‌نظران در اين حوزه قرار می‌دهد.

- 18- Elgood C. The History of Medicine in Iran and Eastern Khalifats Terithories. Translated by Farghani B. Tehran: Amir Kabir Publication; 1967, p. 307. [In Persian]
- 19- Aqa BT. [AL-Dharia ila tasrifal-shi'as]. Beirut: Dar-AL-Azwa; p. 325. [In Persian]
- 20- Sadrai Khooi A, Hafezian Baboli A. The manuscript index of Ayatolah Golpayegani Public Library, first edition. Qom: Aljavad Institution; 2009, p 3099-3100. [In Persian]
- 16- Hossaini AJ. [Fehreste Noskhehaye Khatti Katabkhaneh Majlese Shoraye Eslami], first edition. Tehran: Markaze Pajohesh, Katabkhaneh va Markaze Asnade Majlese Shoraye Eslami; 2010, p 154. [In Persian]
- 17- Monzavi A. [Fehrestvareh Katabhaye Farsi], first edition. Tehran: Tehran University; 2001, p. 3432. [In Persian]

Favaed-al-Afzalieh: a treatise on medicine and its standing in the Safavid era

Ali Akbar Jafarey¹, Fatemeh Alian Aminabadi², Zahra Hossein Hashemi^{*3}

¹Assistant Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanistic Sciences, University of Isfahan, Isfahan, Iran;

²MSc Student in History of Medicine and Pharmacy, Faculty of Literature and Humanistic Sciences, University of Isfahan, Isfahan, Iran;

³MSc Student in History of Islam, Faculty of Literature and Humanistic Sciences, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

Abstract

Ali Afzal Ghate' Ghazvini was a renowned physician, scholar, and calligrapher of the Safavid era whose personality and efforts in the field of medicine have not been fully recognized thus far. Among his works, three medical treatises can be of use in researching the medicine of the Safavid era. The present article adopts a descriptive-analytic method to introduce one of these treatises, Favaed-al-Afzalieh, and present a survey of its content in addition to the author's biography. The findings here are based on the three chapters of this medical classic, which indicates the encyclopedic nature of this treatise. Favaed-al-Afzalieh reveals details on a variety of practical medical issues prevalent in the Safavid era, and is considered outstanding due to the volume of all the medical information it contains. The present study discusses the standing of this treatise in the history of medicine along with a suggestion to revise and publish this valuable, comprehensive work and reintroduce it to the world of medicine.

Keywords: Ali Afzal Ghate' Ghazvini, Favaed-al-Afzalieh, Safavid, Islamic Medicine

*Email: hashemizahra30@yahoo.com